

طلعت ده پهلوان^{*۱}

نسرین فتاحی^۲

پوریا اسمعیلی^۳

سید محمد امین حسینی^۴

چکیده:

آیت‌الله حسین بروجردی از فقه‌های برجسته‌ای است که در حوزه فقه، اصول و رجال صاحب اندیشه و دیدگاه ویژه‌ای بود. پس شناسایی شخصیت، مکتب و سبک علمی این فقیه وارسته می‌تواند راهگشای خوبی در حل بسیاری از مسائل و الگوی مناسبی برای جوانان باشد. بنابراین در این زمینه این سؤال اصلی مطرح می‌شود که ویژگی‌های مکتب فقهی آیت‌الله بروجردی چیست؟ در پاسخ باید گفت که وی با درایتی که داشت موجب تحول مهمی در روند تاریخ فقه شیعه شد و سبک فقهی جدیدی را بنیان‌گذاری کرد که زیر بنای آن شناسایی تفسیر و نقد حدیث بود. هدف از نگارش این مقاله ارائه همه نکات فقهی و اصولی ابتکاری ایشان نیست، زیرا متون مختلف به آن پرداخته‌اند. بلکه آنچه که مدنظر است توجه دادن به اهمیت مکتب فقهی و رویکرد اصولی ایشان است که با استفاده از روش کتابخانه‌ای مبتنی بر توصیف و تحلیل این مسئله مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: اندیشه، آیت‌الله بروجردی، فقه، مکتب، حدیث

JNIS-2304-1099

^۱ - استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران: نویسنده مسئول
pahlavant65@gmail.com

^۲ - استادیار دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، لرستان، ایران

^۳ - دکتری تاریخ ایران دوره اسلام، مدرس گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

^۴ - عضو هیئت علمی افتخاری مرکز پژوهشی تمدن اسلامی و دانشگاه فنی و حرفه‌ای، قم، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱ - صفحات ۱-۱۳

این مقاله به واکاوی اندیشه‌های آیت‌الله سیدحسین بروجردی از مراجع بزرگ تقلید اختصاص دارد. علت انتخاب این موضوع چنین است که تألیفات و تفکرات وی دارای امتیازات فراوانی است که او را از دیگران ممتاز ساخته است. ایشان احیا کننده و مجدد فقه اسلامی و همچنین صاحب اندیشه، سبک و دیدگاه ویژه‌ای بود بر این اساس امام خمینی^(ع) برای اقامت آن فقیه وارسته در قم و تثبیت مرجعیت وی بسیار کوشیدند. ایشان فقیه بزرگوار و عالم وارسته‌ای بود که بخش عظیمی از زندگی خویش را در پر بار ساختن مکتب فقهی اهل بیت عصمت و طهارت^(ع) سپری ساخت و در فقه و فقهات و تقریب مذاهب و شناساندن مکتب عظیم تشیع به جهانیان مقام شامخی را حائز گردید و تسلط وی به احادیث ائمه و نظرات صحابه و فقه عامه، وی را مورد توجه علمای الازهر مصر قرار داده و به همین دلیل فقه امامیه به عنوان مکتب فقهی رسمیت یافت و در کنار مذاهب اربعه قرار گرفت. ایشان شاگردان متعدد و فاضلی تربیت نمود که هر کدام مشعل‌دار هدایت و فقه در عصر کنونی می‌باشند. آیت‌الله سیدحسین بروجردی مصحح و احیا کننده مکتب فقهی گرانبهای عالم تشیع می‌باشند که این همه مرهون تلاش‌های بی‌وقفه شبانه‌روزی و نبوغ خاص علمی و اخلاص ایشان بود.

پیشینه تحقیق

پیرامون این موضوع تاکنون تحقیقاتی انجام پذیرفته که برخی از آن‌ها به شرح ذیل است: مثلاً، سید احمد مددی (۱۳۳۸)، در مقاله «سیره علمی آیت‌الله بروجردی، خشت اول حوزه‌های جدید»، یا ابوالفضل شکوری (۱۳۷۰)، در مقاله «نگاهی به: روش فقهی مصلح بزرگ، آیت‌الله بروجردی^(ع)، و یا زهرا قاسمی، کاوه پیشقدم، محمد کاظم و محمد حسین بهزادی (۱۳۹۴)، در مقاله «مدل‌های ورود به سیاست در روش عملی آیت‌الله بروجردی و امام خمینی^(ع)» در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰؛ و یا رحیم روح بخش (۱۳۹۰)، در مقاله «اسنادی از تکاپوهای آیت‌الله بروجردی برای آموزش تعلیمات دینی در مدارس»، و یا عابدین مؤمنی، مجید قربانعلی دولابی و میثم بهدادفر (۱۳۳۹)، در مقاله «تاریخی‌نگری در فرایند اجتهاد با تأکید بر روش اجتهادی و شیوه مقارنه‌ای آیت‌الله بروجردی رحمه الله علیه»، و یا سید سجاد ایزدهی (۱۳۹۴)، در مقاله «مبنای حکومتی آیت‌الله بروجردی»، و یا حامد سروری و رسول جعفریان (۱۳۹۴)، در مقاله «موانع نوگرایی در حوزه علمی قم در زمان زعامت آیت‌الله بروجردی (۱۳۲۵ - ۱۳۴۰)، و یا سیف الله صرامی (۱۳۹۴)، در مقاله «تحلیل و بررسی ماهیت مفهوم از دیدگاه آیت‌الله بروجردی»؛ و یا رحیم ابوالحسینی (۱۳۸۴)، در مقاله پیشگامان تقریب: آیت‌الله بروجردی: آیت اخلاص (۱۲۹۲ - ۱۳۸۰ ق) (۱۲۵۳ - ۱۳۴۰ ش)، و یا محمد واعظزاده خراسانی (۱۳۸۶)، در مقاله «وحدت و

انسجام اسلامی از نگاه آیت الله بروجردی» و نیز حسین شیر محمدی بابا شیخعلی و شهاب شهیدانی (۱۳۹۵)، در مقاله «بررسی و نقد جایگاه دین و دولت در اندیشه‌ی سیاسی آیت الله بروجردی».

در این مقالات و تحقیقات مشابه دیگر نویسندگان تلاش کردند تا ابعاد گوناگون حیات علمی آیت الله بروجردی را مورد بررسی قرار دهند. در مقاله حاضر هم سعی شده تا مکتب اندیشه‌ای ایشان تحقیق گردد و به موارد جزئی بیشتر پرداخته شود تا بدین طریق، پژوهشی علمی در راستای رفع پاره‌ای از ابهامات با استفاده از منابع معتبر انجام پذیرد و ابعاد و زوایای موضوع با دقت توصیف و تحلیل شود.

۱- نگاهی به زندگی آیت الله سید حسین بروجردی

سیدحسین بروجردی در اواخر ماه صفر سال ۱۲۹۲ قمری در بروجرد متولد شد. وی فرزند اول سید علی فرزند احمد طباطبایی بود. سادات طباطبایی از خاندان‌های بزرگ اسلام هستند که نسب آنان با سی واسطه درخشان به امام حسن مجتبی (ع) منتهی می‌شود. آن‌ها در طول تاریخ دارای مقامات بزرگ روحانی و شخصیت‌های عالی مقام بوده‌اند و همیشه نام و یادشان همراه با تعظیم و احترام بوده است. (دانشنامه جهان اسلام، ج ۱: ۱۰۶۸) خاندان طباطبایی‌های بروجرد شخصیت‌های علمی کم نظیری بر اسلام تقدیم کرده‌اند که مانند آفتابی تابناک در آسمان اسلام و تشیع؛ صاحب خدمات معنوی و علمی بی‌شماری هستند.

بعد از سپری شدن دوران کودکی سیدحسین آثار نبوغ بیشتر در این کودک پدیدار شد. پدرش جهت تعلیم و پرورش او را به مکتب سپرد. قبل از ورود به مکتب مقداری قرآن خوانده بود و تا اندازه‌ای نوشتن می‌دانست. در مکتب، علاوه بر «قرآن کریم»، «جامع المقدمات سیوطی»، «منطق» و «گلستان سعدی» را هم آموخت. سپس وارد مدرسه نور بخش آن شهر گشت، در آنجا به فرا- گرفتن علوم مقدماتی یعنی: صرف، نحو، منطق، معانی بیان، فقه و اصول و ... نزد پدر و سایر استادان بروجرد پرداخت. در سن ۱۸ سالگی وارد حوزه علمیه اصفهان شد که در آن زمان از مهم‌ترین مراکز علمی شیعه به شمار می‌رفت. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲: ۱/ ۶۶۲)

در این مدت محضر درس عالمان زیادی را درک نمود که در رأس آنان فقیه نامدار سید محمد باقر درچه‌ای، سیدمحمدنقی مدرس، میرزا ابوالعالی الکباسی، در فقه و اصول و حکیم نامدار آخوند ملامحمد کاشی و فیلسوف فرزانه؛ میرزا جهانگیر را در فلسفه و حکمت می‌توان نام برد.

سیدحسین شاگرد محبوب و مورد علاقه همه آنان بود. بعد از اتمام تحصیل در حوزه اصفهان که در آنجا خود یکی از استادان نامور شده بود، طبق تمهیدات پدر به بروجرد بازگشت و سپس عازم حوزه علمیه نجف اشرف گردید. مدت ده سال در آن دیار، از محضر بزرگان و استوانه‌های

علمی شکوه‌مندی همچون آخوند خراسانی (صاحب کفایه) و سید کاظم یزدی (صاحب عروه) بهره گرفت و به تدریس و تحقق علوم عالی، فقه، اصول، و رجال پرداخت. در حالی که، خود یک فقیه جامع الشرایط شده بود به سفارش پدر، عازم زادگاه خویش گردید. فضای جامعه و شرایط زمان، او را به مدت سی سال در گوشه بروجرد منزوی ساخت و جهان اسلام از برکت وجود او در این مدت محروم گردید.

انزوای این عالم وارسته تا سال ۱۳۶۴ قمری طول کشید. در این سال ایشان به دلیل بیماری در بیمارستان تهران بستری شد، پس با اصرار و دعوت علما و تلاش‌های مستمر حضرت امام خمینی (۵) و شاگرد پرتلاش ایشان شهید مطهری وارد حوزه علمیه قم شد و پس از تحمل آن همه سال سختی و رنجش، زعامت و سرپرستی حوزه علمیه قم و مرجعیت جهان اسلام به دست ایشان سپرده شد. (واعظزاده خراسانی، ۱۴۲۱ق: ۵۳) در طول دوره زعامت و ریاست عالیّه حوزه علمیه قم با نبوغ خود و تشکیل محافل علمی و درسی مجتهد پرور و روشنگر نسل جدیدی از علما و روحانیون را پرورش دادند که زمان شناسی و مسلح به شیوه‌های تبلیغی روز بودند و که هر کدام از اینان سرآمد روزگار خود شدند.

برخی شاگردان مبرز ایشان عبارت بودند از: آیات عظام سیدروح‌الله خمینی، ملکوتی، مکارم شیرازی، شبیری‌زنجانی، نوری‌همدانی، فاضل‌لنکرانی، محمدتقی بهجت و

از طرفی، با اهتمام آیت‌الله بروجردی و همکاری قاهره مؤسسه «دارالتقریب بین مذاهب اسلامی» در سال ۱۳۲۷ ش به دبیرکلی شیخ محمدتقی قمی جهت تفاهم هر چه بیشتر بین مذاهب اسلامی تشکیل شد. ایشان در جهت تقریب بین مسلمین و نیز در تقابل با فساد و ممانعت از حضور افراد بی‌کفایت در دستگاه اداری ایران تلاش‌های زیادی نمود. (دوانی، ۱۳۷۱: ۳۵۹-۳۶۰) در اثر کوشش‌ها مفتی هم عصر وی و رئیس جامع الازهر با فتوای خود، کرسی فقه جعفری را در ردیف فقه مذاهب جهان قرار دارد. به همین دلیل سید آیت‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای را همراه آیت‌الله سیدمحمود طالقانی همراه با تعداد دیگر از علما راهی مصر نمود تا از ایشان تشکر و قدردانی نمایند. شیخ شلتوت به جواز پیروی از فقه جعفری به عنوان مذهب فقهی پنجم فتوا داد و در دانشگاه الازهر مصر کرسی ویژه‌ای به آن اختصاص داد.

باید اذعان کرد که این مرد بزرگ با بینش دقیق و اخلاص خود جهان اسلام را مجذوب خود کرد و میراث بسیار گرانبهایی از خود برای تمامی مسلمانان بر جای گذاشت، ایشان در دهم فروردین سال ۱۳۴۰ خورشیدی به سرای باقی شتافت و لبیک حق را ندا گفت.

۲- بررسی شخصیت علمی آیت الله بروجردی

درباره شخصیت علمی ایشان می توان گفت که دارای امتیازات فراوانی بود که وی را از هم عصران خویش ممتاز می کند. ایشان را می توان احیا کننده فقه اسلامی و علوم مرتبط با فقه مانند علم حدیث و رجال نامید. آیت الله بروجردی از نوابغ تاریخ فقه شیعه محسوب می شود که با نبوغ علمی و ابتکارات خاص خود شاگردانی را پرورش داد که چراغ راه دیگران و مأمینی برای سؤالات و ابهامات و پاسخگوی مسائل روز آنان شدند. ایشان در اثر نبوغ ذاتی و زحمات فوق العاده ای که در تحقیق و تتبع بر خود هموار ساخته بود به نواقص موجود در کتاب های هر یک از رشته های فقه، حدیث، اصول، رجال و غیره از جنبه روش و محتوایی پی برده و همواره آرزو داشت تا بتواند روزی نظرات اصلاحی و جدید علمی خود را هموار سازد، به عنوان مثال در کتاب «وسائل الشیعه» مرحوم حاج میرزا حسین نوری که از جمله مأخذ مورد مراجعه و استناد علمای شیعه در مقام فتوا بوده و هست؛ آیت الله بروجردی با همه مزایایی که برای آن قائل بود نواقصی را از جنبه روش و محتوا، در آن یافته بود که این کتاب را برای تحقیق و فتوا ناقص و ناکافی می دید و همیشه در صدد ایجاد امکانات برای رفع نواقص آن بود، لذا زمانی که به مرجعیت رسید به جمعی از فضلا دستور دادند که زیر نظر ایشان طرح حدیث ایشان را عملاً تعقیب کنند و کتاب «جامعه الاحادیث شیعه» مولود این فکر است. (طباطبایی بروجردی، ۱۴۱۵ق: ۱۲-۱۳)

آیت الله بروجردی در علم رجال نیز سرآمد روزگار و تبحر خاصی داشت که در اینجا اشاره ای به آن می شود. ایشان در مقدمه تجرید می نویسد: «من علما رجال را دیدم که بسیاری از راویان موجود در اسناد را ذکر نکرده اند، همچنین گاه از میان کسانی که نامشان ذکر شده است طبقه آن ها و طبقه شیوخی که احادیث را از ایشان گرفته اند و شاگردانشان که احادیث را از آنان فرا گرفته اند، یاد نکرده اند. در صورتی که، این موارد تأثیر زیادی در شناخت رجال دارد. آنان به مشخص کردن مشترکات نپرداخته اند و به جای پرداختن به جزئیات اسامی مشترک که در احادیث وارد شده است و بررسی محل هایی که در آن ها احتمال وجود قرائن مشخص کننده می رود. کاری که از آنان انتظار می رفت به کلیاتی که از استقرائات ناقص خویش هر یک طبق تبعاتی انفرادی یا شاهد آوردن از شواهد ناقص و قلیل که نه مفید علم و نه ظن است و به هیچ وجه انسان را به هدف نزدیک نمی کند اکتفا کرده اند». (همان: ۲) سپس می فرماید: «به نظرم رسید اگر اساتید را از متون جدا کنند، و آن ها را به صورتی جمع آوری کند اسناد هر کدام از شیوخ رجال در یک جا و یا در بخش های مشخصی ثبت شده باشد، محققین به آسانی می توانند به استادان هر حدیث دست یابند». (همان: ۲-۳)

آیت الله بروجردی دارای تألیفات بسیاری در علوم فقه، اصول، رجال و حدیث بودند همچنین

کتاب‌های زیادی از علمای برجسته تصحیح و چاپ نمودند مانند: کتاب خلاف شیخ طوسی، کتاب جامع الروات اردبیلی، قرب الاسناد، جعفریات، و چند جلد از مفتاح الکرامه و ... (باقی اصفهانی، ۱۳۷۹: ۹۵)

۳- ویژگی‌های اصولی آیت‌الله بروجردی

آیت‌الله بروجردی در طرح مباحث اصولی ابتکارات خاصی داشت. ایشان از آنجا که موضوع علم اصول را در فقه حجت می‌دانست هر چیزی که به نحوی بر حجت در فقه مربوط می‌شود به عنوان یکی از مسائل اصول قابل طرح می‌داند. در ادامه به برخی از آن موارد اشاره می‌شود:

چینش مسائل اصولی

سید بروجردی به تفکیک‌هایی که در رویکردهای خاص در روش امثال آقایان صدر و مظفر وجود دارد، قائل نیست. مباحث اصولی ایشان به روش کلاسیک سامان یافته و در مواردی سخت به مبانی قدما مانند سیدمرتضی مایل و به چیزی از قبیل اقوال ایشان قائل است و اصطلاحات جایگاه متأخران در مبانی و اقوال اصول قدما را نمی‌پذیرند. به عنوان نمونه؛ از نظر وی جایگاه بحث مفاهیم، مباحث الفاظ و تشخیص ظهورات نیست وی مسئله را در این مورد این نمی‌داند که آیا مثلاً جمله شرطیه مفهوم دارد یا ندارد، اما متأخران بر این باورند که اگر چیزی مثلاً شرطیه مفهوم داشته باشد، حتماً حجت است. سید محل شایسته این بحث را مباحث حجت می‌داند. همچنین در مورد گزینش مباحث، در پاره‌ای از موارد کاملاً ویژه عمل کرده و گسترش و تفصیل‌های وی در برخی مسائل و نیز چشم پوشی از طرح پاره‌ای دیگر از مسائل یا طرح بسیار فشرده آن‌ها به اصول وی سمت و سویی کاملاً ممتاز داده است. آنگاه لازم می‌بیند در طرح یک مسئله اصولی به شدت و جدیت درگیر مسئله‌ای عقلی با شرح و نقد معنایی از منطق کلاسیک شود و وقتی که نقش مبحثی را حجیت در فقه و نیاز به آن در استنباط را اندک می‌بیند به فشرده‌گی و اجمال از آن می‌گذرد، آن گونه که در اصول عملیه رفتار کرده است. (اخوان صرف، ۱۳۸۷: ۴)

اجماع و شهرت از دیدگاه آیت‌الله بروجردی

اجماع در نگرش سید تفاوت چندانی با اجماع محصل از دیدگاه آخوند خراسانی ندارد. ایشان در اجماع منقول، دیدگاه‌های خاص و بسیار سرنوشت‌سازی دارد. بعضی موارد در اجماعات خاص منقول، مانند آنچه سیدمرتضی یا شیخ طوسی ادعا کرده‌اند، تحلیل‌های راه‌گشایی ارائه داده است. ایشان با برداشت‌های ویژه‌ای که از قاعده لطف شیخ طوسی داشته اجماعات منقول شی خطوطی

را احیا کرده است و اشکالات موجود در این بحث را با بررسی‌های تاریخی خاص که زمینه قول به اجماع را مهیا کرده، می‌کاود. (همان: ۱۴۱)

نظریه ایشان بر پایه دو عنصر؛ ۱. ملاک حجیت اجماع و شهرت ۲. قلمرو اجماع و شهرت معتبر شکل گرفته است. این نظریه را که می‌توان نظریه اجماع و شهرت در اصول متعلقات نامید، دیدگاهی شفاف و روشن‌گر را پیش روی فقیهان قرار می‌دهد که تطبیق آن در عرصه استنباط از افراط و تفریط نسبت به موارد اجماع و شهرت جلوگیری می‌کند و کمتر با ابهام روبه‌رو است. ایشان بر خلاف دیگران اندیشه را به دست تاریخ می‌سپارد تا با دستیابی به نتایج تاریخی، دقت و توانایی‌اش را با فهم واقعی‌تر و دقیق‌تر موضوع اجماع و شهرت افزایش دهد. وی در مورد شهرت بر این عقیده است که تنها زمانی شهرت معتبر است که در محدوده مسائل متعلقات از نوع واضح آن شکل گرفته باشد، اما شهرت در مسائل متعلقات غیر واضح که اعمال نظر در آن‌ها راه یافته است و نیز در مسائل تفریعی، اعتبار ندارد. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۰: ۲/ ۲۹۷)

اهمیت به آراء قدما و محدود کردن دامنه اصول فقه

یکی از مبانی مهم و معروف مرحوم بروجردی در حدیث و فقه، اعتقاد به حدیثی بودن متون فقهی اولیه است. ایشان با تسلطی که بر اصول داشتند و صاحب ابتکاراتی بودند؛ در مقام استنباط کمتر به اصول تمسک می‌کردند. چنین شیوه‌ای در بین شاگردان ایشان نیز دیده می‌شود. علت آن تخصص کامل ایشان در فهم روایات، دقتی که در آن‌ها به کار می‌برد و حسن سلیقه‌ای که در رفع تعارض بین اخبار متعارض داشتند. اما در عین حال به علم اصول فقه و نیاز فقیه به آن، تأکید بسیار داشتند دلیل آن حاشیه مفصل و دقیق و عمیقی است که بر کفایه استادشان مرقوم نموده‌اند. (سلطانی، ۱۳۷۹)

ایشان در بین کتب فقهی قدما، فتوای فقیهان و قدمایی را مدنظر داشت که شکل استنباطی و تفریع فروع نداشت و بیشتر به تنظیم متون حدیثی بر پایه نیازهای فقهی می‌پرداختند و نص متون روایی را فتوای خویش قرار می‌دادند. مرحوم بروجردی در کتب فقهی و دروس خارج خود به این موضوع تأکید می‌کرد که این قبیل کتب اعتبار روایت را دارند. کتاب ارزشمند «نهایه التقرير»، موارد فراوانی از این تأکیدات مرحوم بروجردی را آورده و چگونگی استدلال به آنها را نشان داده است که در ذیل، مواردی از آنان بیان می‌شود. ایشان درباره استنباط حکم نماز خواندن با لباس تهیه شده از اجزای حیوان حرام گوشت، در صورتی که شخص نسبت به چگونگی تهیه شدن لباس آگاهی نداشته باشد، لازم می‌داند که به اصول عملی و قواعد شرعی مراجعه شود و دلیل آن لزوم را، از یک سو در فقدان نص و از سوی دیگر مطرح نشدن آن در کتب فقهی قدما می‌داند و می‌گوید: «درباره این مسئله، نص خاص از معصومان (ع) وارد نشده است و فتاوی

اصحاب، به گونه‌ای نیست که بیان کننده وجود روایت باشد چون ظاهراً کسی از پیشینیان در کتاب‌هایشان مسئله را مطرح نکرده است و اگر کسی از آنان مسئله را مطرح کرده، آن را تنها در کتاب‌هایی که برای یاد کردن مسائل استنباطی است، آورده و نه کتاب‌هایی که برای نقل فتاوی معصومان (ع) طبق الفاظ صادر شده از آنان تدوین شده است تا آن که یاد کرد آن، کاشف از وجود نص باشد، چنان که درباره مسائل یاد شده در این قبیل کتاب‌ها چنین است». (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۰ق: ۲۲/۱ - ۲۳)

آیت‌الله بروجردی مضمون و محتوای کتب فقهی اولیه را، بر جوامع روایی موجود مقدم می‌داشت، حتی کتب فقهی یاد شده را مکمل جوامع روایی می‌دانست که از نظر اعتبار و ارزش بر آن‌ها تقدم دارند و در مقام معارضه، باید فتاوی موجود در کتب یاد شده را مقدم داشت. ایشان درباره فراموش نکردن شهید، ضمن نقل فتوای مشهور و روایات وارد شده می‌نویسد: «... و به هر صورت، از فتاوا چنین بدست می‌آید که نص معتبری، دال بر این حکم، در جوامع اولیه وجود داشته است. نهایت امر، اینکه به جوامع ثانویه که در دسترس ما هستند راه نیافته است». (همان: ۲۹۴/۲)

۴- مبانی تفکر سید بروجردی

شیوه‌های جدید و راهبردی آیت‌الله بروجردی در استنباط احکام، زمینه گسترده تحقیق را در فقه اهل بیت فراهم کرد. به عقیده ایشان، با آگاهی از محتوای روایات و فتاوی رایج اهل سنت در زمان امامان معصوم^(ع) بهتر و راحت‌تر می‌توان محتوای احادیث و سخنان امام را دریافت و جمله معروفی از وی نقل شده که می‌فرمود: «فقه شیعه در حاشیه فقه اهل سنت است». (واعظ‌زاده خراسانی، ۱۴۲۱ق/ ۸۴)

سخنان ایشان بدین دلیل است که فقه شیعه ناظر بر فقه اهل سنت بود، چرا که پاسخ‌ها و سخنان امامان ناظر بر فتاوی حاکم بوده است، از این رو ایشان، تحقیق و مطالعه کتاب‌های اهل سنت را از مقدمات لازم برای فهم فقه و اجتهاد می‌دانست. به همین علت، تحقیق و تعمیق در کتب اهل سنت و اشراف بر آرای صاحبان اندیشه اهل سنت چندان عمیق بود که وقتی برخی از شخصیت‌های اهل سنت به حضورش می‌رسیدند و از نزدیک به این امر واقف می‌شدند بسیار تعجب می‌کردند. ایشان اصول و مسائل برگرفته از ائمه معصومین را از مسائل تفریحی فقهی که در استنباط آن‌ها رأی و اجتهاد به کار رفته جدا می‌ساخت.

تلاش در وحدت اسلامی

آیت‌الله در موضوع وحدت مذاهب اسلامی تلاش بسیار نمود. شهید مطهری در این زمینه می‌نویسد: «یکی از مزایای معظم‌له توجه و علاقه فراوان به مسئله وحدت اسلامی و حس تفاهم و

تقریب بین مذاهب اسلامی بود. این مرد چون به تاریخ اسلام و مذاهب اسلامی آشنا بود، می- دانست که سیاست حکام گذشته در تفرقه و دامن زدن آتش اختلاف چه اندازه تأثیر داشته است و همچنین توجه داشت که در عصر حاضر نیز از این تفرقه برخی از سیاستمداران حداکثر استفاده را می کنند و بلکه آن را دامن هم می زنند و هم توجه داشت که دوری شیعه از سایر فرقه ها سبب شده است که آن ها شیعه را نشانند و درباره آن ها تصویری دور از حقیقت داشته باشند. به این جهت بسیار علاقه مند بود که حس تفاهم بین شیعه و سنی برقرار گردد؛ این تفاهم از طرفی، وحدت اسلامی که منظور بزرگ دین مقدس است، تأمین می گردد و از طرف دیگر شیعه، فقه شیعه و معارف شیعه آن طور که هست به جامعه تسنن معرفی می شود. (مطهری، ۱۳۸۰: ۲۶۰) ایشان در بدو تشکیل «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» به حمایت جدی از آن پرداخت و کمک مالی بسیاری به آنان نمود. ایشان علاوه بر ارتباط با شیخ الازهر، عبدالمجید سلیم و سپس شیخ شلتوت، ارتباط جهان اسلام با تالشخ را محکم تر نمود و بسیاری از سوء تفاهم ها را به اصلاح و به محبت و دوستی تبدیل نمود (واعظزاده خراسانی، ۱۴۲۱ق: ۳۶۹ - ۳۷۰)؛ و نخستین بار فقه شیعه، به رسمیت شناخته شد.

احاطه بر اقوال ائمه عامه و نظریات صحابه

از اموری که موجب تثبیت مکتب فقهی امامیه نزد بزرگان اهل تسنن شد و این مکتب را در ردیف مکاتب فقهی اهل تسنن به رسمیت شناختند، احاطه آیت الله به اقوال ائمه عامه و نظریات صحابه بود؛ ایشان اعتقاد داشت که بدون اطلاع از فضا و محیط صدور روایت، بررسی و فهم کامل آن میسر نیست و تنها یک معنای ظاهری از لفظ استفاده شود. احاطه بر فتواها و اقوال صحابه و تابعین و علمای عامه در فهم استنباط صحیح از یک دسته از روایات که نظر به آن اقوال دارند، و همچنین در فهم جهت صدور روایات بسیار مؤثر است.

بنابراین در هر روایت که محتمل باشد ناظر به اقوال غیر اهل بیت (ع) است یا جهت صدور آن معلوم نباشد، اطلاع بر این فتاوا و اقوال لازم است. این علمی است که قدمای فقها در آن متبحر بوده اند و به آن اهمیت می دادند، چنانکه شیخ طوسی (قدس سره) در این رشته، کتاب مهم و بی نظیر خلاف را تالیف کرد است. اما در اواخر این امر مطرح نبود و تقریباً متروک شده بود و کتاب خلاف نیز در دسترس نبود، آیت الله بروجردی به امر طبع و نشر آن اقدام کردند و این علم را از نو متداول ساختند. ایشان با احاطه عجیبی که به اقوال صحابه و علمای اسلام از هر فرقه داشتند، اهمیت این علم و نیاز فقیه را به آن روش نمودند، به طوری که، کتاب خلاف پس از طبع دوم که به امر ایشان انجام گرفت، مکرر به چاپ رسیده است. از فواید مهم دیگر این کتاب، این است که فقه اهل بیت (ع) در مقایسه با فقه دیگران قوت گرفت و استقامت و ابتدای آن بر کتاب

و سنت معلوم شد. (روش اجتهادی فقها، پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۸۹)

روش ابتکاری سید در تدریس مباحث فقهی

آن بزرگوار در تدریس فقه روش ویژه‌ای داشت که عبارت بود از:

(الف) اصول و مسائل برگرفته از معصومین را از مسائل تفریعی فقهی که در استنباط آنها رأی و اجتهاد به کار رفته، جدا می‌ساخت.

(ب) به هنگام بحث درباره هر مساله‌ای، تاریخ پیدایش و تطورات بعدی آن در ادوار مختلف فقه فریقین را بحث و بررسی می‌کرد.

(ج) به استدلال اصلی در مساله می‌پرداخت و در این مرحله نیز آنچه را که رکن و اساس و محل اعتماد بزرگان بود برمی‌گزید و از حشو و زوائد کم فایده صرف نظر می‌نمود. آیت‌الله بروجردی مکتب خاصی در فقه داشت و در این مکتب افراد خاص تربیت نمود.

آرای خلاف مشهور آیت‌الله بروجردی

سید بروجردی سر تا سر اصول فقه، حدیث و رجالش از نوآوری‌های روش و محتوایی پر است. مواردی که وی در تبیین مسائل راهی دیگر در پیش گرفته است. ایشان مانند دیگران نیندیشیده و نتیجه‌ای دیگر گرفته است. بعضی از تعریف‌ها و نتیجه‌گیری‌های ایشان با دیگران متمایز و نامتعارف است. از جمله:

الف) حکم ظاهری

ایشان حکم ظاهری را مغایر با مرحوم بهبهانی و مرحوم مظفر می‌بیند، ایشان تکلیف به احکامی مانند ایجاب احتیاط در موارد شک، یا ایجاب عمل به خبر واحد، یا استصحاب، و نظیر این‌ها از جهت مصلحتی در خود آنها تعلق نگرفته، بلکه شارع برای احراز و حفظ واقع، آنان را واجب کرده است. (بهبهانی، ۱۳۷۴: ۲۵ به بعد و مظفر، بی تا: ۳۰ به بعد)

احکام ظاهری وضع شده‌اند که احکام دیگر را حفظ کنند. پس اگر خود عمل به خبر، مصلحت داشت و به خاطر آن شارع واجبش کرده بود، حکم ظاهری نبود، بلکه حکم واقعی در عرض سایر احکام واقعی و در طول آنها بود. (طباطبایی بروجردی، ۱۴۱۵ق: ۳۹۶)

اگر چه در مبحث اجزا به وضوح تکالیف ظاهری را دو قسم کرده و هر دو قسم مطابق کلام سایر اصولیان است، می‌گوید قسم اول از احکام ظاهری آنهایی هستند که خود تکلیفی نیستند، بلکه ناظر به تکالیف واقعی‌اند و وظیفه مکلف را هنگام شک در اجزا یا شرایط یا موانع یک واجب واقعی معلوم مشخص می‌کند. قسم دوم آنهایی هستند که اصطحاکاکی با تکالیف واقعی ندارند، بلکه به خودی خود تکالیف مستقل می‌باشند. آن گاه اثبات می‌کند که حدود بحث در مسئله اجزا، تکالیف ظاهری قسمت اولند. در این قسم شقوقش قائل به اجزاست. (خمینی، ۱۳۷۹: ۷۹)

به هر حال، کلام سید در این خصوص هماهنگ نیست و تصویر اول وی از احکام ظاهری، خلاف متعارف است. اینکه در دیدگاه وی در حکم ظاهری یا ثانویه در طول حکم واقعی نیست و بلکه شارع از ابتدا، نظر به حال مکلف عادی و مضطر یا مکلف عالم و جاهل دو حکم جعل کرده است. (اخوان صراف، ۱۳۸۷: ۸۰)

ب) جواز استعمال لفظ درسش از یک معنا

از ویژگی دیگر مکتب آیت الله بروجردی جواز استعمال لفظ در بیش از یک معنا است. در این زمینه باید گفت که؛

اصولیان قدیم استعمال لفظ مشترک یا دارای معنای حقیقی و مجازی را در بیش از یک معنا جایز ندانسته‌اند. بعضی بین مفرد یا تثنیه و جمع تفصیل قائل شده، اولی را غیر مجاز و در دوم جایز دانسته‌اند.

برخی از اصولیان متأخر هم این استعمال را در صورت وجود قرینه قوی مجاز، اما به هر شکل، استعمالی مجازی دانسته‌اند. (حسینی فیروزآبادی، ۱۴۰۰: ۱۰۹-۱۱۵)

آیت الله بروجردی معتقد است استعمال لفظ در دو معنا یا بیشتر، عقلاً و وضعاً مانعی ندارد و این استعمال مطلقاً حقیقی است از نظر ایشان عمل لفظ در معنا گاه ایهامی است، گاه ایجاد و در هر دو صورت اقسامی دارد که در تمام آن‌ها مشکل عقلی برای استعمال در بیش از یک معنا وجود ندارد. او ادعای امتناع عقلی این استعمال را رد می‌کند، چون به نظر ایشان، خود وجود مأخوذ در معنای موضوع له نیست، چه رسد به حد و تعددش و این همه تناقض ندارد با اینکه موضوع له دارای ماهیت واحد باشد. از نظر وضع هم اشکالی ندارد، چون شأن واضح بیان موضوع له و کیفیت استعمال است. یعنی اینکه آیا ایجاد یا افهامی تصویری یا تصدیقی است، و واجب است در تعیین موضوع له و کیفیت استعمال از واضح تبعیت شود. اما اگر فرض شود که واضح لفظی را یک بار برای یک معنا و بار دیگر برای معنای دیگر وضع کرد و در موضوع له قید وحدت لحاظ نکرد و مانع عملی هم از استعمال در دو معنا نبود، مانعی برای استعمال در هر دو نیست. چون مفروض آن است که در هر دو معنا مستقلاً استعمال شده است. این استعمال بعد از آن که موضوع له طبیعت معنا - لا شرط وحدت - و مستعمل فیه نیز همین گونه است و نیاز به ترخیص واضح ندارد. (اخوان صراف، ۱۳۸۷: ۸۱)

این استعمال حقیقی است، چون موضوع له، نفس معناست، نه به قید وحدت؛ و مفروض، آن است که مستعمل فیه مجموع - ما هو مجموع - نیست، بلکه نفس هر یک از دو معنا به استقلال است، پس، لفظ در خود موضوع له استعمال شده و بنابراین حقیقت است. (طباطبایی بروجردی، ۱۴۱۵ق: ۸۰ - ۸۱)

نتیجه‌گیری

آیت‌الله بروجردی شخصیت بزرگ توأم با تفکر عمیق اصیل اسلامی همراه با سجایای اخلاقی ممتاز و برجسته‌ای بود که وجود این فضایل اخلاقی به زندگی او یک امتیاز خاصی بخشیده بود و نزد همگان مورد احترام و عزت بود. سید بروجردی با تحقیق و تتبع و نبوغ علمی خود به مسائلی فراتر از زمان خود پرداخت. او در بعضی موارد مغایر با هم عصران خود بود؛ در حجیت ظواهر نکاتی نغز آورد. درباره حکم و مراحل و اقسام آن ایده‌هایی در خور تأمل فراهم نمود. ایشان بیان نمود منابع سنت محدود به کتب روایی موجود نیست، زیرا تمام روایات ما در جوامع موجود روایی نیامده‌اند؛ به عقیده ایشان اجماع منقول قدمایی و شهرت فتوایی حکایت از رأی معصوم است و مجالی عمده در استنباط دارد. از دیگر دیدگاه‌های ایشان؛ مراجعه به اصول عملیه را محدود ساخت و تمسک به آن‌ها را در مقام استنباط بسیار محدود و حداقلی می‌دانست.

منابع فارسی

- اخوان صراف، زهرا (۱۳۸۷)، مکتب اجتهادی آیت الله بروجردی، قم، بوستان کتاب
- باقی اصفهانی، محمدرضا (۱۳۷۹)، عنایات حضرت مهدی (عج) به علما و طلاب، تهران، نصایح
- بنیاد دایره المعارف اسلامی، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۱
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۲)، گلشن ابرار، خلاصه‌ای از زندگی اسوه‌های علم و عمل، قم، نشر معروف
- دوانی، علی (۱۳۷۱)، زندگانی زعیم بزرگ عالم تشیع آیت الله بروجردی، تهران، نشر مطهر
- سلطانی، محمد علی (۱۳۷۹)، فقه الحدیث در نگاه آیت الله بروجردی، مجله علوم حدیث، شماره ۱۷
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، شش مقاله، تهران، صدرا
- واعظزاده خراسانی، محمد (۱۳۴۱)، زندگی آیت الله بروجردی در مکتب فقهی، اصولی، حدیثی و رجالی وی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی
- روش اجتهادی فقها، پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ۱۳۸۹

منابع عربی

- بهبهانی، محمدباقر (۱۳۷۴)، الفوائد الحائریه، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
- حسینی فیروزآبادی، مرتضی (۱۴۰۰)، عنایه الاصول فی شرح کفایه الاصول، قم، انتشارات فیروزآبادی.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۹)، لمعات الاصول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- طباطبایی بروجردی، حسین (۱۴۱۵ق)، نهایه الاصول، تقریر حسینعلی منتظری، قم، نشر تفکر
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۰ق)، نهایه التقرير، الثالثه، جلد ۱ - ۲، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار
- مظفر، محمد رضا (بی تا)، اصول الفقه، قم، مؤسسه مطبوعاتی، اسماعیلیان